

## US Approach to Disarmament and Arms Control after September 11<sup>th</sup> (2001-2020)<sup>1</sup>

Seyyed Mahmoud Mansouri Nesab<sup>1</sup>, Abu Mohammad Asgarkhani<sup>2</sup>, Sohrab Salahi<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D., Student, Department of Public International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. seyed\_mansoori@yahoo.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Public International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**), asgarkha@ut.ac.ir

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran. Salahi.sohrab@gmail.com

### Abstract

One of the most important strategic subjects in the realm of international relations between countries and international security is arms control and disarmament. In this regard, the purpose of the present research is to review the US approach to disarmament and arms control considering September 11<sup>th</sup> events 2001-2020. The research method is descriptive-analytic and the results indicate that the subject of disarmament and mass destruction arms control is one of the most important issues in the international level, particularly in relationships between Russia and the United States. The context of disarmament and arms control after the cold war has immensely been intricate and complicated. After September 11<sup>th</sup>, peaceful and multilateral international cooperation between countries did not end; but rather with regard to the US movements, the rules of the play firstly undertook a military aspect which led to a change in international discourse. Secondly, unilateralism was raised against multilateralism which affected all the countries.

**Keywords:** USA, Disarmament, Arms Control, September 11<sup>th</sup> Event, War, Nuclear Weapon.

1. Received: 2021/09/01 ; Revised:2021/10/07 ; Accepted:2021/11/11 ; Published online: 2022/09/23

DOI: 10.22034/sej.2021.1941808.1382

© the authors

<http://sej.journal.qom-iaui.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



## رویکرد آمریکا به خلع سلاح و کنترل تسلیحات پس از ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱ - ۲۰۲۰)<sup>۱</sup>

سید محمود منصوری نسب<sup>۱</sup>، ابومحمد عسگرخانی<sup>۲</sup>، سهراب صلاحی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.  
seyed\_mansoori@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
asgarkha@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.  
Salahi.sohrab@gmail.com

### چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات استراتژیک در عرصه روابط بین‌المللی کشورها و حوزه امنیت بین‌الملل، موضوع کنترل تسلیحات و خلع سلاح می‌باشد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی رویکرد آمریکا به خلع سلاح و کنترل تسلیحات با نگاهی به حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱-۲۰۲۰ می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی همواره یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در سطح نظام بین‌الملل و به‌خصوص در روابط روسیه و آمریکا بوده است. پیشینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در دوران پس از جنگ سرد بسیار معشوش و پیچیده است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ تمایل زیادی به انعقاد موافقت‌نامه‌های کاهش تسلیحات وجود داشت. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر همکاری‌های بین‌المللی صلح‌آمیز چندجانبه‌گرا پایان نیافتند؛ بلکه با توجه به حرکت‌های دولت آمریکا، قواعد بازی اولاً جنبه نظامی بیشتری به خود گرفت و این باعث ایجاد تغییر در گفتمان‌های بین‌المللی شده است. ثانیاً یک‌جانبه‌گرایی در مقابل چندجانبه‌گرایی مطرح گردید. این تحول همه کشورها را متأثر کرد.

**کلیدواژه‌ها:** آمریکا، خلع سلاح، کنترل تسلیحات، حادثه ۱۱ سپتامبر، جنگ، سلاح هسته‌ای.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری سید محمود منصوری نسب، با عنوان «مبانی حقوقی و پیامدهای خروج آمریکا از رژیم‌های کنترل تسلیحات»، استاد راهنما: ابومحمد عسگرخانی، استاد مشاور: سهراب صلاحی است.  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱  
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

## ۱. مقدمه

ظهور و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای<sup>۱</sup> در هفته‌های آخر جنگ جهانی دوم، برداشت‌های سنتی نسبت به مفهوم امنیت را یکسره دگرگون ساخت. در عصر سلاح‌های هسته‌ای و زمانی که تکنولوژی‌های جدید سبب اختراع سلاحی شده است؛ که بشر قادر به استفاده عقلانی از آن نیست و خطر گسترش آن، تهدیدی جدی در برابر جامعه جهانی است، خلع سلاح و به طور کلی کنترل تسلیحات، رهیافت‌های مستقیم به صلح و امنیت را به نظر می‌رساند.

فرایند بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، عرصه تقابل و جدال مداوم بین تمایلات بین‌المللی و منافع ملی حیاتی دولت‌هاست. تعارض منافع ملی - حیاتی و امنیتی دولت‌هاست که نظام خلع سلاح هسته‌ای و کنترل تسلیحات را عقیم نموده است. حقوق بین‌الملل معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات به‌عنوان یک نظام حقوقی در حال تکامل، به طرق مختلفی به‌وسیله دولت‌ها و با بهانه استناد به منافع ملی - حیاتی، به‌عنوان یک سپر در مقابل موازین حقوقی و سازوکاری برای فرار و رهایی از معاهدات به کار گرفته شده است و محدودیت‌هایی بر موازین قواعد آن اعمال می‌کنند و در عین حال، اقدامات خود را قانونی جلوه داده و مدعی رعایت حقوق بین‌الملل می‌شوند. بنابراین، این مفهوم و مفاهیم مشابه به‌عنوان مفهومی ماهیتاً سیاسی از موانع و دشواری‌های اصلی در راه توسعه و پیشرفت موازین حقوق معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات در جهت جهان‌شمولی تلقی می‌شود؛ زیرا می‌تواند باب سوءاستفاده خودسرانه دولت‌ها را باز کند. به همین دلیل، کندی روند توسعه تدریجی موازین حقوق بین‌الملل در این عرصه، معلول منافع ملی و حاکمیت دولت‌ها است.

همچنین در این حوزه - در مقایسه با سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل - به دلیل محتوای تعهدات و سازوکارهای نظارت بر پایبندی دولت‌ها به این تعهدات و پیوند عمیق این معاهدات با صلح و امنیت بین‌المللی، روند محدودیت حاکمیت و منافع ملی - حیاتی دولت‌ها به نفع حاکمیت و منافع بین‌المللی بیشتر و محسوس‌تر است. اما این موارد بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. با اینکه حادثه ۱۱ سپتامبر، مباحث جدیدی بر فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات افزود، اما پیگیری و ادامه دستور کار ناتمام جهانی قبل از این حادثه، بر عهده جامعه بین‌المللی دولت‌هاست. این دستور کار ناتمام، تلاش برای حل مشکلات و مسائل ناشی از

سلاح‌های کشتار جمعی و پیامدهای آن بر صلح و امنیت بین‌المللی است. با این تفاسیر سؤال اصلی در این پژوهش عبارت است از: آمریکا نسبت به خلع سلاح و کنترل تسلیحات پس از ۱۱ سپتامبر دارای چه رویکردی است؟ در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تجزیه و تحلیل مسائل، ابعاد مختلف موضوع موردنظر از طریق سؤالات، در نظر گرفته شد و نسبت به تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی اقدام گردید.

## ۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با خلع سلاح و کنترل تسلیحات، دیدگاه‌ها و متون متعددی طرح و منتشر شده که به توجه به رویکرد پژوهش حاضر که بر رویکرد آمریکا به روند خلع سلاح و کنترل تسلیحات استوار است، می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

**متونی که به خلع سلاح و چالش‌ها و تحولات آن پرداخته‌اند.** در این متون نویسندگان خلع سلاح را به‌عنوان متغیر اصلی در نظر گرفته و به نقش آن در روابط دولت‌ها اشاره داشته و چالش‌ها و فرصت‌های خلع سلاح را توصیف کرده‌اند. برای مثال می‌توان به این منابع اشاره کرد: قادری (۱۳۹۶)، سلطانی و شهبازی (۱۳۹۶)، پادوینگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۸)، گرین<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، وولف و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸)، ویلیامز و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۲).

**متونی که به منافع دولت‌ها در پرتو معاهدات خلع سلاح پرداخته‌اند.** در این متون به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها نسبت به خلع سلاح و کنترل تسلیحات پرداخته و آن را جزء لاینفک سیاست خارجی دانسته‌اند. در این خصوص نیز، می‌توان به این منابع اشاره کرد: هیز<sup>۵</sup> (۲۰۱۸)، کورتونی<sup>۶</sup> (۲۰۱۸)، سلیمی (۱۳۹۳)، نعمتی (۱۳۹۱)، سواری و پیری (۱۳۹۱) لبوویس<sup>۷</sup> (۲۰۱۳).

1. Podvig

2. Green

3. Woolf & et al.

4. Williams & et al.

5. Hayes

6. Kortunov

7. Lebovic

چنانکه ملاحظه می‌شود، عمده متون موجود از حیث تعریف نوع رابطه بین متغیرهای پژوهش، با نوشتار حاضر متفاوت هستند. بدین معنا که عمدتاً به خلع سلاح و منافع دولت‌ها توجه شده و از عامل «رویکرد آمریکا» و «۱۱ سپتامبر» و پیامدهایی که به دنبال دارد، کمتر سخن به میان آمده که نوآوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

### ۳. مبانی مفهومی

#### ۳-۱. خلع سلاح

خلع سلاح<sup>۱</sup> به معنی کاهش تسلیحات دولت‌ها چه از نظر کمیت و چه از لحاظ قدرت آتش آن‌ها است. بسته به اینکه اگر کاهش محدود باشد یا گسترده، سخن از خلع سلاح کامل و یا خلع سلاح جزئی به میان می‌آید. با پیشرفت تسلیحات، تخمین و برآورد سطح و کیفیت تسلیحات، موضوعی کاملاً پیچیده شده، به طوری که درجه تأثیر یا دقت سلاح‌ها از یک سو و مقاومت و توان آن‌ها در خنثی کردن اقدام‌های متقابل الکترونیکی از سوی دیگر، بر پیچیدگی آن افزوده است. امروزه مذاکرات در زمینه کندسازی آهنگ پیشرفت‌های فنی و تکنیکی ابزارهای جنگی و نیز به اجرا گذاردن آن‌ها پیش از مذاکره، در زمینه کاهش وضعیت کنونی تسلیحاتی، دارای اهمیت است. در معنای دقیق‌تر، خلع سلاح به تخریب ذخایر موجود تسلیحات گفته می‌شود، و نه اقدام‌هایی که تنها به محدود نمودن و یا ممنوعیت کاربرد آن سلاح‌ها، رضایت می‌دهد. خلع سلاح حقیقی، پرهیز و اعراض عمومی و همگانی ایجاد می‌کند، که این امر، جز با کنوانسیون‌های جهان‌شمول<sup>۲</sup> با ویژگی‌های پیش‌گیری‌کننده و قوی محقق نمی‌گردد (مختاری، ۱۳۷۸، ص ۵۵۵).

خلع سلاح در معنای دقیق آن به فرایندی اطلاق می‌شود که در نهایت به امحای کامل تمام یا یک دسته خاص تسلیحات می‌انجامد (الیوت و رجینالد،<sup>۳</sup> ۱۹۸۹، ص ۲۷۲) و کنترل تسلیحات در معنای مضیق و سنتی آن، ناظر بر تحدید کمی یا کیفی برخی از انواع تسلیحات است؛ این دو، واژگانی قدیمی در ادبیات حقوق و روابط بین‌الملل هستند که در کل، «مذاکره پیرامون تسلیحات نظامی به منظور کاهش آن‌ها تا حد صفر یا حداقل تا سطوح بسیار پایین (کارتر، ۱۹۹۸، ص ۴) یا انهدام و همچنین تحدید یا کاهش روش‌های اقدام دولت‌ها به جنگ (متیو

1. Disarmament

2. Universal

3. Elliot & Reginald

و کرمک،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰، ص ۴۷) اطلاق می‌شوند.

### ۳-۲. کنترل تسلیحات

مفهوم «کنترل تسلیحات»<sup>۲</sup> که در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ در پاسخ به ترکیب جنگ سرد و مسابقه تسلیحات هسته‌ای به وجود آمد؛ بر این بینش ساده استوار است؛ که به‌رغم اختلافات عمیق، شرق و غرب در یک منفعت مهم و حیاتی شریک هستند و آن دوری از جنگ، به‌ویژه جنگ هسته‌ای است (لاورنس<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹، ص ۵). اما به نظر می‌رسید؛ در فضایی که در آن، تئوری «توازن وحشت» به گفتمان غالب درآمده است، صحبت از خلع سلاح واقعی به شوخی و یا حداقل به ژستی سیاسی نزدیک‌تر است. برتراند راسل<sup>۴</sup> در این باره سخن جالبی دارد:

«... اکنون این مذاکرات به صورت یک رقابت ورزشی رهبری می‌شود. برای هر طرف مطلب مهم حصول توافق نیست، بلکه پیروزی در نمایش تبلیغاتی است که برای جهانیان به معرض تماشا گذاشته شده است؛ یا به دست آوردن امتیازاتی از طرف مقابل است؛ بدان‌سان که توازن نیرو را به نفع طرف دیگر بگرداند. هیچ یک از دو طرف، توجه ندارند که آینده نوع بشر در گرو این نمایش است و فراموش می‌کنند که حصول هر توافقی از هیچ بهتر است» (برتراند راسل، ۱۳۴۳، ص ۸۴).  
به همین دلیل کشورها هیچ‌گاه در طول جنگ سرد به توافقی که نمایانگر خلع سلاح به معنی دقیق کلمه باشد دست نیافتند. بر این اساس می‌توان گفت، کنترل تسلیحات عبارت است از اقدام دولت‌ها در راستای تقلیل و یا نابودی طبقات خاصی از سلاح‌ها، محدودیت در انتقال تسلیحات و محدودیت در استفاده از برخی تسلیحات از طریق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی دوجانبه و یا چندجانبه.

### ۴. چارچوب نظری

واقع‌گرایی<sup>۵</sup> به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نظریه‌های جریان سنتی و اصلی روابط بین‌الملل است؛ که از بعد از جنگ جهانی دوم به‌عنوان نظریه‌ای مسلط، نقش بسیار مهمی را در

1. Mathews & Corrmack
2. Arms control
3. Lawrence
4. Bertrand Russell
5. Realism

تبیین تحولات نظام بین‌المللی داشته است<sup>۱</sup> (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷).

دو عامل عمده در چشم‌انداز رئالیست‌ها مانع همکاری در رژیم‌های مربوط به امنیت می‌شود: عامل اول ملاحظات مربوط به دستاوردهای نسبی است. در دنیای رئالیست‌ها، کشورها نگران تعادل قوا هستند و نه تنها در مورد امکان همکاری در میان خود، بلکه از نحوه توزیع دستاوردهای ناشی از همکاری به منزله مهم‌ترین موضوع نیز نگرانند. درحالی‌که تمام کشورها مایلند سود مطلق خود را به حداکثر برسانند؛ ولی به این نیز می‌اندیشند که در یک قرارداد، منفعتشان بیشتر از دیگران باشد یا حداقل بدتر از دیگران نباشد.

اگر سود نسبی مورد توجه قرار گیرد، کشورها باید مراقب باشند که سود چگونه تقسیم می‌شود و این تلاش‌ها، همکاری را به‌خصوص در عرصه‌های امنیتی پیچیده می‌کند. مسائل مربوط به دستاوردهای نسبی، بیشتر در حوزه امنیت مطرح‌اند تا موارد دیگر؛ چرا که این مقوله، موضوعی است که با حیات کشورها دست‌وپنجه نرم می‌کند. در نتیجه، همکاری امنیتی، از همکاری در دیگر حوزه‌ها بسیار مشکل‌تر خواهد بود (جانز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵، ص ۶۰).

خلع سلاح و کنترل تسلیحات یکی از موضوع‌های حساس همکاری میان دولت‌ها است؛ زیرا این نوع همکاری‌ها با مسائل امنیتی و نظامی کلان ارتباط پیدا می‌کند. دید رئالیست‌ها در مورد همکاری میان دولت‌ها مبهم است. به‌خصوص اگر قرار بر همکاری امنیتی و نظامی باشد، از دید رئالیست‌ها این آخرین گزینه خواهد بود. البته نئورئالیسم با تجدید نظرات والترز در رئالیسم، برای توجیه همکاری‌ها منعطف‌تر از رئالیسم کلاسیک است. از نظر آن‌ها، رقابت برای کسب قدرت و به‌خصوص قدرت نظامی و اتکاء به خود، تنها راه بقای دولت‌ها در یک محیط آنارشیک بود. به‌طورکلی دیدگاه رئالیست‌ها نسبت به همکاری، بدبینانه است؛ زیرا درحالی‌که نیت واقعی همکاری دولت‌ها دیگر روشن نیست، حتی این امکان وجود دارد که شریک امنیتی امروز، به دشمن فردا تبدیل شود. پس براین‌اساس - مشکل سود نسبی و نگرانی دولت‌ها از امکان کسب سود بیشتر توسط طرف مقابل، که در یک بازی با حاصل جمع صفر به ضرر دولت اول، ارزیابی می‌گردد.

۱. نظریه واقع‌گرایی از دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰ بر مطالعه روابط بین‌الملل در آمریکا استیلا داشت. به‌علاوه قالب فکری موسوم به قالب فکری سنتی نظام بین‌الملل مبتنی بر مفروضاتی است که در این نظریه یافت می‌شود (دونرتی و فالترگراف، ۱۳۷۲، ص ۱۴).

از دغدغه‌های مهم سیاست رئالیستی در همکاری با دولت‌های دیگر کل سود نسبی، است؛ که حتی عدم عضویت در اتحادیه‌ها را نیز توجیه می‌کند. در این میان رئالیست‌های خوش‌بین، به حل مشکل فوق‌کمک زیادی کرده‌اند. البته توجیه همکاری امنیتی میان متحدین، آسان‌تر از همکاری میان دشمنان است. (دولت‌های عضو یک قرارداد خلع سلاح یا کنترل تسلیحات بین‌المللی چند جانبه که ممکن است از اطلاعات مبادله‌شده علیه امنیت ملی دیگر کشورها سوءاستفاده کنند.) گروه مزبور خود، همکاری امنیتی را یک ابزار خودیاری می‌دانند و در نتیجه همکاری را با پیش‌فرض‌های اولیه رئالیسم سازگار نشان می‌دهند، به‌خصوص که خطر عدم همکاری (مسابقه تسلیحاتی) از خطرات همکاری بالاتر خواهد بود. البته این بازبینی شك عدول از پیش‌فرض‌های رئالیسم را نیز برمی‌انگیزد.

عامل دیگر به خدعه، فریب و در نتیجه، ترس دولت‌ها از درگیر شدن در موضوع همکاری مربوط است. چرا که در وضعیت آنارشی، در صورتی که منافع اساسی کشورها مطرح باشد، این امکان وجود دارد که آن‌ها به خدعه و فریب متوسل شوند. این گروه بر خطرهای ناشی از فریب تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که این موضوع، به‌ویژه در حوزه امنیت، مانع از ایجاد همکاری خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸۶).

در چنین ادبیاتی است که خلع سلاح و کنترل تسلیحات به‌عنوان یکی از موضوعات حساس همکاری میان دولت‌ها سر بر می‌آورد و با مسائل امنیتی و نظامی کلان ارتباط پیدا می‌کند. طبیعی است که واقع‌گرایان نسبت به مسئله خلع سلاح با دید خوبی نگاه نمی‌کنند؛ چرا که برخلاف منطق خلع سلاح، آنها داشتن تسلیحات را ضامن تأمین امنیت می‌دانند و ادبیات خلع سلاح را با تعاملات در جهان واقع منطبق نمی‌دانند. اما با توجه به نگرانی‌های جهانی حتی در جبهه رئالیسم از پدیده افزایش سلاح و مسئله «مسابقه تسلیحاتی» بین کشورها، آن‌ها بر مسئله کنترل تسلیحات گردن می‌نهند؛ چرا که حداقل، کنترل تسلیحات نسبت به خلع سلاح با ادبیات رئالیسم سازگارتر است.

ریشه اساسی مشکل رئالیست‌ها با مفاهیم خلع سلاح و کنترل تسلیحات، این است که مهمترین اصل در ایجاد و حیات یک رژیم خلع سلاحی، همکاری بین بازیگران است و اصولاً دیدگاه رئالیست‌ها در مورد همکاری میان دولت‌ها خوشبینانه نیست. به‌خصوص اگر قرار بر همکاری امنیتی و نظامی باشد، این مسئله وضعیتی بغرنج‌تر به خود می‌گیرد. اما با همه این تفاسیر، همکاری از نظر رئالیست‌ها غیرممکن نیست. آن‌ها معتقدند دولت‌ها تنها در صورتی



دست به همکاری خواهند زد که این سیاست در خدمت منافع ملی و در راستای افزایش قدرت ملی آن‌ها باشد. مثلاً منطق توازن قدرت اغلب موجب می‌شود کشورها علیه دشمنان مشترک، اتحادهایی تشکیل دهند و با هم همکاری کنند؛ یا کشورها از جمله رقبا یا متحدین، ممکن است برای حمله به یک کشور ثالث با یکدیگر همکاری کنند. به‌علاوه ممکن است، معاملاتی که بازتاب توزیع قدرت باشد؛ انجام گیرد و نگرانی‌های مربوط به فریب را مرتفع نماید. مهم‌ترین عامل برای همکاری در دیدگاه رئالیست‌ها تلاش برای جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی است و قراردادهای مختلف کنترل تسلیحات که در دوران جنگ سرد به امضای طرفین متخاصم رسید، شاهدی بر این موضوع هستند (عبداله خانی، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

اما همین همکاری‌ها نیز بسیار آسیب‌پذیر و شکننده است و چنانچه شرایط ایجاب نماید، این همکاری‌ها نیز ناپایدار خواهد شد. حتی دولت‌هایی که بر اساس احتمالات، نه امکان شکل‌گرفتن بدترین وضعیت می‌اندیشند نیز، مزایای همکاری در بلندمدت را کم می‌دانند و وابستگی خود به دیگران را به حداقل می‌رسانند؛ چرا که همیشه نگران مسئله سود نسبی هستند (ونت، ۱۳۸۴، ص ۵۰۸).

به‌طورکلی رئالیست‌ها برخلاف منطق و هدف، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، افزایش قدرت نظامی و به‌خصوص کسب توانایی سلاح‌های هسته‌ای را ضامن تأمین امنیت ملی می‌دانند. زیرا حتی اعتمادی به تضمین‌های امنیتی دیگران وجود ندارد. اما منتقدان این دیدگاه بر کافی‌نبودن سلاح‌های هسته‌ای برای تأمین امنیت ملی و حفظ بقاء به تجربه ناموفق شوروی سابق اشاره دارند و بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدید ناامنی اشاره می‌کنند که با اتکای صرف به سلاح‌های هسته‌ای، قابل حل نیستند؛ بلکه دست‌آوردهای مثبت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خلع سلاح و کنترل تسلیحات از این نظر کارآمدتر هستند. به‌رحال رئالیست‌ها، خلع سلاح و کنترل تسلیحات را در قالب کلی همکاری امنیتی میان دولت‌ها توضیح داده‌اند، اما این همکاری برای آن‌ها معنایی است که با استفاده از عناصری از تئورهای دیگر همچون سازه‌گرایی و نئولبرالیسم به حل آن پرداختند (کوهن، ۱۹۸۴، ص ۵۰).

## ۵. تاریخچه حضور آمریکا در معاهدات کنترل تسلیحات و خلع سلاح

پیشینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در دوران پس از جنگ سرد، بسیار مغشوش و پیچیده است؛ گرچه هدف مستقیم فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات کاهش و تحدید ذخایر موجود خودداری از توسعه و گسترش سلاح‌ها در آینده و نهایتاً امحا و انهدام تسلیحات تولید شده است

(بلوجی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸). لیکن این خود از یک هدف غیرمستقیم ولی بنیادین و اصلی نشأت می‌گیرد که می‌توان آن را هدف یا علة‌العلل خلع سلاح دانست و آن چیزی جز «امحای جنگ» و تعمیم وضعیت صلح در سراسر جهان و برای همه زمان‌ها نیست.

در مورد منطق کنترل تسلیحات باید گفت که «خارج از کنترل» بودن به مثابه این بود که سرنوشت انسان از دست انسان خارج شود و تصمیمات بشری در آن دخیل نباشد. از این رو کنترل تسلیحات هیچ‌گونه پیامی مبنی بر اینکه انسان از خطرات جنگ‌افزارها مصون خواهد بود، نداشت (عسگرخانی، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

بی‌شک مهم‌ترین مذاکرات کنترل تسلیحات به چگونگی منع استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مربوط می‌شود. اولین قرارداد عمده‌ای که در این خصوص منعقد شد، معاهده منع آزمایشات هسته‌ای در جو، ورای جو و زیر دریاها موسوم به «قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای» در مناطق معین، در اوت ۱۹۶۳ بود. این قرارداد هرگونه انفجار هسته‌ای به جز در زیرزمین را منع می‌کرد. برای حفظ طرفین در مقابل هر نوع ابداعات تکنولوژیکی احتمالی که اثری شدید بر موازنه قدرت هسته‌ای خواهد گذاشت؛ تبصره‌ای در این معاهده از سرگیری آزمایشات را برای هریک از طرفین با شرط اعلام سه‌ماه قبل از آزمایش مجاز می‌شمارد.

بازرسی در این قرارداد از طریق ابزار ملی مستقر در فواصل دور (نه در محل انفجار) صورت می‌گیرد. از ۱۹۶۳ به بعد، آزمایشات هسته‌ای زیرزمینی بی‌شماری صورت گرفته است؛ درحالی که آزمایشات هسته‌ای در جو، تنها توسط دو کشور عمده غیرعضو، یعنی فرانسه و چین، انجام شده است. در پرتو ادامه این آزمایشات، دسته‌ای از ناظران نسبت به این پدیده احساس تاسف می‌کنند (یانگ،<sup>۱</sup> ۱۹۷۲، ص ۱۷).

حوادث تروریستی شهرهای واشنگتن و نیویورک، بعضی از مباحث از جمله خلع سلاح شیمیایی، بیولوژیک، میکروبی، هسته‌ای و غیرهسته‌ای را در صدر برنامه‌ها و دستور کار جامعه بین‌الملل قرار داده و آن را به عنوان یکی از نگرانی‌های جدی جهانی، منطقه‌ای و ملی عصر حاضر، برجسته نموده است و این نشانه شکست تلاش پنجاه ساله کشورها و سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای درباره کنترل تسلیحات و خلع سلاح هسته‌ای و غیرهسته‌ای بزرگ و کوچک است. با کمال تأسف، در این شرایط، آمریکا سعی می‌کند تا از فضا و محیط به‌وجودآمده پس از حادثه ۱۱

سپتامبر، استفاده نماید و با موضوع خلع سلاح و کنترل تسلیحات، سیاست دوگانه و برخورد تبعیض آمیز خود را همچنان ادامه دهد. آمریکا در شرایطی که خلع سلاح عراق را بهانه لشکرکشی تازه خود به منطقه خاورمیانه قرار داده، نسبت به خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل بی تفاوت است. این رفتار دوگانه در شرایطی صورت می‌گیرد که اکثر اعضای سازمان ملل متحد و همه کشورهای خاورمیانه، خواستار خلع سلاح اسرائیل هستند و سلاح‌های هسته‌ای تل‌آویو را تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی می‌دانند.

برخی کشورهای غربی به رهبری آمریکا تلاش می‌کنند معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات را از حوزه حقوق بین‌الملل حذف نموده و جایگزینی برای آن‌ها بیابند که هیچ کس قادر به محدود ساختن فعالیت‌های نظامی آنان نباشد. این رویکردها که با اصول نظم حقوقی کنونی سازگار نیست، نمی‌تواند منافع کشورهای در حال توسعه را که اکثریت اعضای جامعه بین‌المللی کنونی را در بر می‌گیرند، تأمین نماید.

سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه و در ارتباط با موضوع خلع سلاح، محروم کردن کشورهای اسلامی و عربی از تکنولوژی و بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای است. آمریکا سعی می‌کند، انحصار هسته‌ای در منطقه خاورمیانه در دست اسرائیل باقی بماند؛ زیرا تضمین امنیت تل‌آویو بخش مهمی از سیاست خارجی خاورمیانه‌ای کاخ سفید را تشکیل می‌دهد و حضور قوی صهیونیست‌ها در کنگره و کاخ سفید، این سیاست را به دستگاه دیپلماسی و نظامی آمریکا تحمیل کرده است. از این رو، یکی از اهداف آمریکا از حذف معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات از حوزه حقوق بین‌الملل، این است که رژیم صهیونیستی را از لیست بازرسی تأسیسات اتمی از سوی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خارج سازد و مانع نظارت این آژانس بر تأسیسات هسته‌ای اسرائیل شود.

یک جنبه‌گرایی آمریکا در خلع سلاح و کنترل تسلیحات که با فروپاشی شوروی سابق افزایش یافته، عواقب منفی بر صلح و امنیت جهانی دارد. خلع سلاح موضوع چند بعدی و مستلزم مشارکت‌های جمعی و فزاینده از طریق سازمان ملل متحد است. حادثه ۱۱ سپتامبر باید جامعه بین‌المللی را به سوی فرهنگ پیش‌گیری، به جای فرهنگ عکس‌العملی و پیش‌دستی، سوق می‌داد، اما متأسفانه به نظر می‌رسد؛ سیاست‌های یک جانبه و اقدام‌های فردی آمریکا، پس از این حادثه شدت بیش‌تری به خود گرفت و موازین و هنجارهای این بخش از حقوق بین‌الملل معاصر را از نظر اجرا با مشکلاتی روبه‌رو نمود.

آمریکا به‌رغم الزامات رسمی و غیررسمی خویش، در مورد پیگیری خلع سلاح کامل هسته‌ای، تحت کنترل و نظارت مؤثر بین‌المللی و امحای کامل سلاح‌ها و ذخایر زرادخانه هسته‌ای، که در کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (N.P.T) در سال ۲۰۰۰ مورد تأیید مجدد قرار گرفته، آمادگی و تمایل چندانی به ایفای این نقش ندارد.

از مجموع رفتار و سیاست‌های آمریکا در مورد خلع سلاح و کنترل تسلیحات، می‌توان به این نتیجه رسید که واشنگتن مقام صالح در امر خلع سلاح کشورها نیست و نمی‌تواند تعیین نماید که چه کشوری باید خلع سلاح شود؛ یا چه کشوری می‌تواند از قدرت هسته‌ای برخوردار باشد. به‌علاوه، قدرت هسته‌ای آمریکا و متحد استراتژیک آن در خاورمیانه، یعنی اسرائیل، تهدیدی علیه صلح و امنیت بشری است و برای ایجاد صلح پایدار در جهان، امر خلع سلاح میکروبی و شیمیایی کشورها باید از خود آمریکا و متحدین آن در جهان و منطقه خاورمیانه آغاز شود؛ زیرا غرب و به‌ویژه آمریکا در طول جنگ عراق علیه ایران ثابت کردند که قدرت‌های مسئولیت‌پذیری نیستند و به منظور دستیابی به اهداف سیاسی، حاضرند انسان‌ها را با سلاح‌های مرگبار شیمیایی و میکروبی قربانی سازند.

## ۶. منع گسترش تسلیحات و امنیت ملی آمریکا

هنگامی که دولت جورج دبلیو بوش وارد کاخ سفید شد، عمدتاً بر دو مسئله تأکید نمود: مسئله تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی همواره از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در دو سند استراتژی امنیت ملی آمریکا (سپتامبر ۲۰۰۲) و استراتژی مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی (دسامبر ۲۰۰۲) بر آن اشاره شده است.

این دو سند حاوی چهار نکته اساسی در زمینه مبارزه آمریکا با گسترش سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای هستند:

(۱) تهدید سلاح‌های کشتار جمعی بزرگ‌ترین اولویت برای ایالات متحده است و باید برای کشورهای دیگر نیز چنین باشد.

(۲) تهدید امروز با آنچه در زمان جنگ سرد وجود داشت، تفاوت دارد و بسیار وسیع‌تر است.

(۳) تعداد کمی از دولت‌های سرکش هستند که به قوانین بین‌الملل احترام نمی‌گذارند و خواهان کسب سلاح‌های کشتار جمعی‌اند.

(۴) تلاش برای کسب سلاح‌های هسته‌ای و تجهیزات آن و حمایت از تروریست‌ها در رابطه با این دولت‌ها خطرناک‌ترین مسئله است.

## ۷. خلع سلاح و کنترل تسلیحات پس از ۱۱ سپتامبر

در این بخش به بررسی خلع سلاح و کنترل تسلیحات پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا می‌پردازیم:

### ۷-۱. سند استراتژی آمریکا در زمینه مبارزه با گسترش سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای

با دوران ریاست جمهوری پوتین در روسیه و بوش پسر در ایالات متحده و وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، زمینه‌ساز تغییرات شگرفی در عرصه رژیم‌های امنیتی و رقابت تسلیحاتی روس و آمریکا گردید.

در پی این وقایع، آمریکا در صدد معرفی کردن خود به‌عنوان قدرت هژمونیک و اجرای سیاست یک‌جانبه‌گرایانه بوده و دست به افزایش بودجه نظامی خود زده و در پی مقابله با تروریسم بین‌الملل برآمده است و این موضوع، زمینه‌ای برای حمله به افغانستان و عراق گردید. روس‌ها در این دوران چاره‌ای جز سکوت و همراهی آمریکا نداشتند. حوادث ۱۱ سپتامبر، فرصت مناسبی برای آمریکاییان فراهم آورد تا به طور یک‌جانبه از پیمان ضد موشک‌های بالستیک (ABM) خارج شوند؛ اما به مرور زمان روس‌ها با وجود رئیس‌جمهور عملگرای خود در پی احیای مجدد قدرت روسیه برآمدند.

به دنبال گسترش ناتو به سمت شرق و وقوع انقلاب‌های رنگین در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع موسوم به (CIS) این امر، زنگ خطری برای روس‌ها تلقی گردید. چرا که آمریکا در حال نفوذ در حیاط خلوت روس‌ها یعنی قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی بود. در نتیجه روسیه به افزایش هزینه نظامی و مانورهای نظامی خود پرداخت و دست به ابداع پیمان شانگ‌های برای سد نفوذ ناتو و همچنین استفاده از حربه انرژی برای به زانو درآوردن کشورهای غرب‌گرای پیرامون خود زد؛ و این‌گونه احساس می‌شد که پای جنگ سرد دیگری در میان باشد که از آن به‌عنوان جنگ سرد دوم یاد می‌کردند (عبدالهی، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

### ۷-۲. سیاست‌های عمده آمریکا برای منع گسترش سلاح هسته‌ای

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های ایالات متحده در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌های هسته‌ای است. از دیدگاه آمریکا در دوران بعد از واقعه سپتامبر دستیابی گروه‌های تروریستی به این سلاح‌ها به شدت امنیت آمریکا را تهدید خواهد کرد. به این خاطر رهبران آن، پنج سیاست عمده را برای منع گسترش سلاح هسته‌ای دنبال کردند، هیچ دولتی مجهز به سلاح‌های هسته‌ای جدید نباید

به وجود آید، به این معنی که کشورهای فاقد تسلیحات اتمی باید دوباره متعهد شوند که هرگز به دنبال کسب سلاح‌های اتمی نخواهند بود.

- محافظت از مواد و تجهیزات اتمی موجود، دولت‌های دارای تکنولوژی هسته‌ای باید به شدت نسبت به حفظ مواد، تجهیزات و وسایل مربوط به این تکنولوژی بکوشند.

- متوقف کردن انتقال غیرقانونی انرژی هسته‌ای. دولت‌ها باید قوانینی را تصویب کنند که انتقال مواد و تکنولوژی هسته‌ای متوقف شود.

- کاهش ارزش سیاسی و نظامی سلاح‌های هسته‌ای، همه دولت‌ها باید متعهد شوند که به آزمایش‌های پرهزینه هسته‌ای پایان دهند و نقش سلاح‌های اتمی را در سیاست‌های اتمی‌شان کم‌رنگ کنند.

- تعهد به حل تعارض‌ها، دولت‌ها باید برای حل تعارض‌های منطقه‌ای تلاش کنند. از آنجا که بسیاری از دولت‌ها برای حل مشکل امنیتی‌شان، در چنین کشمکش‌ها و تعارض‌هایی است که در پی سلاح‌های اتمی برمی‌آیند (زیباکلام، ۱۳۸۶، ص ۲۵-۲۶).

### ۳-۷. کشورهای همراه با آمریکا برای منع گسترش سلاح هسته‌ای

ایالات متحده در استراتژی امنیت ملی‌اش در سال ۲۰۰۲ تأکید دارد که باید با متحدان نزدیکش برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تلاش کنند. شورای اتحادیه اروپایی نیز در ژوئن ۲۰۰۳ تصریح کرد که استراتژی اروپایی ضدگسترش این سلاح‌ها نیازمند تلاش مشترک کشورهای دوسوی آتلانتیک است. مهم‌ترین کشورهای که بر این اساس همکاری می‌کنند، چین و روسیه هستند.

این کشورها علاوه بر اینکه عضو دائم شورای امنیت هستند، یکی از منابع گسترش این سلاح‌ها نیز به‌شمار می‌روند. بنابراین، مهم‌ترین نیاز یک استراتژی جدید، اجماع جهانی گسترده است. اما این امر آسان نیست، از آنجا که تهدید ناشی از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به موقعیت جغرافیایی، روابط متحدان، منافع اقتصادی و تجارب تاریخی کشورها بستگی دارد و چین، روسیه و برخی کشورهای متحد دیگر نیز ممکن است تصور کنند؛ که گسترش سلاح‌های مذکور برای آمریکا خطر بزرگ‌تری - در مقایسه برای آن‌ها - است. از دید کارشناسان آمریکایی اجرای یک استراتژی منسجم برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای باید از ناتو آغاز شود. یعنی جایی که آمریکا می‌تواند از امکانات جاسوسی دیگر کشورهای عضو نیز استفاده کند (شهبان، ۱۳۷۸، ص ۹۴).

#### ۷-۴. تأثیر مواجهه ابرقدرت‌ها بر امنیت جهانی

با مواجهه میان ابرقدرت‌های زمان جنگ سرد در شمال، ناامنی کشورهای در حال توسعه در جنوب پدیدار شد و ابعاد گسترده و عمیق‌تر امنیت به سوی به هم پیوستگی شدید امنیت جهانی تغییر پیدا کرده است؛ در نتیجه این تصور به وجود آمده است که ابزارهای نظامی برای برخورد با چالش‌ها و تهدیدات امنیتی بی‌تأثیر و به طور فزاینده‌ای نامناسب هستند.

برای برخورد با این چالش‌ها و تهدیدات، نیاز به یک اقدام جهانی هست. شمال این ادعا را بیشتر می‌پذیرد که نفع مشترکی در برخورد با مشکلات و ناامنی جنوب دارد. امروزه به نظر می‌رسد که منازعات مسلحانه داخلی کشورهای جنوب دارای عواقب بین‌المللی است. در گذشته رژیم‌های امنیتی از طریق اتحادیه‌های نظامی صورت می‌گرفت؛ اما با روند رشد رژیم امنیت دسته‌جمعی عملاً اهمیت اتحادیه‌های نظامی پایین آمد و رشد و اهمیت امنیت دسته‌جمعی از حالت بسیط خود به روند پیچیده تبدیل گردید. به طوری که در حال حاضر اگر در داخل کشوری جنگ داخلی صورت بگیرد؛ یا اینکه حقوق بشر نقض گردد؛ یا کشوری از تروریسم حمایت کند؛ به مثابه این است که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر افتاده است و باطبع موجبات کافی جهت دخالت نظامی شورای امنیت را بیشتر فراهم نموده است.

آنچه که مسلم است امروزه بر خلاف گذشته، کشورهای قدرتمند برای تحمیل اراده خود به کشورها به جنگ متوسل نمی‌شوند و جنگ از ابزارهای تهدید عملی ولی به‌عنوان آخرین راهکار به شمار می‌رود و در این راستا تهدیدات بیشتر جنبه اقتصادی یافته‌اند. ولی این بدان معنا نیست که دیگر تهدیدات سیاسی و نظامی وجود ندارد؛ بلکه بدین معنا است که در مقیاس جهانی، مشکل تهدیدات بیشتر شکل اقتصادی یافته است که به‌عنوان یک اهرم فشار برای تحمیل اراده و منظور خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند (ترنین، ۱۳۸۵، ص ۶).

صاحب‌نظران بر این باورند که پنج قدرت آینده جهان - آمریکا، روسیه، چین، اروپای واحد و ژاپن- در رابطه با دستور کار امنیت جهان، بدون یک توافقنامه مکتوب به توافقی در چارچوب عمل‌گرایی دست یافته‌اند که محورهای آن عبارت است از:

۱) عدم دسترسی سایر قدرت‌ها به جز آمریکا و روسیه به سلاح‌های استراتژیک، طبق آخرین توافق، کلاهک‌های استراتژیک دارای برد ۲۲۰۰۰ کیلومتر است که منحصراً در اختیار آمریکا و روسیه خواهد ماند.

۲) جلوگیری از توسعه ارضی کشورهای در حال توسعه حداقل تا سی سال آینده.

۳) عدم دسترسی کشورهای جهان سوم به سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی؛ این عدم دسترسی به موشک‌های میان‌برد، دوربرد و میان‌قاره‌ای، به عنوان وسیله پرتابی سلاح‌های کشتار جمعی قابل تسری است و کشورهای جهان سوم مخالف سیاست دو قدرت به ویژه آمریکا در چنبره منازعه با قدرت برتر جهانی درگیر خواهند ماند.

بدین ترتیب که هماهنگی عملی آمریکا و روسیه، صرف مهار فوران قدرت برخی از کشورهای جهان سوم به‌ویژه آن‌ها که اکنون به اصطلاح کشورهای مورد نگران توصیف می‌شوند؛ خواهد شد. در حال حاضر موشک‌های بالستیک به‌ویژه نوع دوربرد و قاره‌پیما، تبدیل به مهم‌ترین معضل امنیتی به‌عنوان همزاد سلاح‌های کشتار جمعی شده‌اند. ظرف چهار دهه گذشته هدف اولیه از ساخت موشک‌های بالستیک دوربرد، محل سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه کلاهک‌های هسته‌ای به ماوراء مرزهای ملی به منظور تحمیل اراده بر دشمن بوده است.

#### ۷-۵. گسترش موشک و سلاح‌های کشتار جمعی تهدیدی بر امنیت جهانی

آنچه که به‌عنوان یک چالش عامه تلقی می‌شود، گسترش موشک در سطح جهان و علی‌الخصوص میان کشورهای جهان سوم است. روسیه گسترش فزاینده توان نظامی آمریکا و به‌ویژه خروج از معاهده ABM را تهدیدی جدی تلقی می‌کند که با پیگیری طرح دفاع موشکی، توازن راهبردی را به هم می‌زند، آمریکا نیز متقابلاً گسترش موشک و سلاح‌های کشتار جمعی در کشورهای جهان سوم به‌ویژه کشورهای یاغی را به‌عنوان تهدید و برهم زنده ثبات تلقی می‌کند.

از سویی، موشک و سلاح‌های کشتار جمعی دیگر کالای انحصاری اقویا نیست و کشورهای جهان سوم نیز آن را وزنه اتصال فناوری صلح‌آمیز همواره می‌داند و حتی به جایی رسیده‌اند که آن را در داخل نیز تولید می‌کنند. آمریکا نگران است که وجود موشک در زرادخانه کشورهای یاغی به همراه سلاح‌های کشتار جمعی، تمامیت ارضی آمریکا را تهدید کند. حال تصور این تهدید درست است یا خیر جای بحث دارد.

از سوی دیگر، ظهور شبکه تروریسم که مرزی نمی‌شناسد و بنا به تصور آمریکا ممکن است به سلاح‌های کشتار جمعی متوسل شود، باعث شده که برداشت‌های امنیتی قدرت‌های بزرگ در آغاز قرن ۲۱ دچار استحاله گردد. بدین جهت آمریکا و روسیه برای مهار فن‌آوری گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و موشک در میان کشورهای جهان سوم در دو حوزه وارد عمل‌گرایی به صورت هماهنگ شده‌اند:

(۱) ایجاد هنجارهای جدید که یکی از آن‌ها موشک است.



۲) در پی آن هستند که توانایی انکار و بازدارندگی خود را حفظ کنند (حیدری، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱-۱۴۰).

### ۶-۷. مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در اسناد راهبردی ملی آمریکا

اسناد راهبردی ملی، یکی از بهترین منابع برای ارزیابی مواضع رسمی سیاستمداران و کابینه‌های بعد از جنگ سرد آمریکا در ارتباط با مقوله عدم اشاعه است. در پرتو واکاوی اسناد راهبردی، می‌توان وجوه اشتراک و افتراق روسای جمهور ایالات متحده از یکدیگر را استنتاج کرد. بررسی اسناد راهبردی در دوره‌های سه‌گانه کلینتون، بوش و اوباما نشان می‌دهد که تقید به منع اشاعه و مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه فناوری‌های پیشرفته مربوط به آن، همواره از محورهای مورد تأکید بوده است.

بر اساس اسناد امنیت ملی آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری کلینتون، منع اشاعه و مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های موشکی و پرتاب آن‌ها در رأس اولویت‌های امنیتی ایالات متحده قرار داشت و وضعیت برنامه هسته‌ای کشورها و سطح همکاری آن‌ها با تلاش‌های آمریکا در زمینه عدم اشاعه، معیار عمده و تعیین‌کننده برای تعیین ماهیت روابط دوجانبه لحاظ شده بود (استراتژی امنیت ملی،<sup>۱</sup> ۱۹۹۴، ص ۱۱).

در همین ارتباط، ذیل دستور کار منع اشاعه، ضد اشاعه و کنترل تسلیحات به تلاش برای تمدید نامحدود ان. پی. تی. (NPT)، تسریع در روند دستیابی به معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای، خاتمه‌دادن به روند تولید مواد شکافت‌پذیر قابل استفاده برای مقاصد نظامی، تقویت گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین مبارزه با اشاعه موشکی از طریق بسط و گسترش عضویت در رژیم کنترل فناوری موشکی اشاره شده است. به‌علاوه بر ضرورت همکاری دولت آمریکا با هم‌پیمانان و دیگر دولت‌های دوست در جهت اعمال کنترل مؤثر بر روند نقل و انتقال فناوری‌های حساس به‌عنوان یکی از سازوکارهای لازم برای افزایش امنیت این کشور تأکید شده است (استراتژی امنیت ملی، ۲۰۰۲، ص ۱۳). در مجموع، اسناد راهبردی دولت کلینتون با بهره‌گیری از جهانی‌شدن و بازار آزاد بر مبنای کلیدواژگانی مانند درگیری و گسترش، به دنبال آن هستند تا بسترهای لازم را برای مشروعیت‌بخشی به سیاست خارجی و امنیتی آمریکا، فراهم نمایند (ایکنبری، ۲۰۰۵، ص ۱۴۵).

فضای برآمده به دنبال بروز حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حکم‌فرم‌اشدن آموزه‌های نوی محافظه‌کاران باعث گردید تا اغلب اسناد راهبردی انتشاریافته در دوران ریاست جمهوری بوش تحت الشعاع دستور کار مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی از تروریسم قرار گیرد. در همین ارتباط می‌توان به سه سند «گزارش مرور وضعیت هسته‌ای» (ان. پی. آر.)، «راهبرد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا» (سپتامبر ۲۰۰۲) و «راهبرد ملی مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی» (دسامبر ۲۰۰۲) اشاره کرد. در حوزه منع اشاعه، گرانیگاه اسناد راهبردی ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری بوش معطوف به برجسته‌نمودن «دولت‌های یاغی» گردید. براین اساس، دستیابی چنین دولت‌هایی به فناوری‌های حساس می‌تواند تهدیدهای هویتی - امنیتی متعددی را برای آمریکا و هم‌پیمانان آن به وجود آورد. ازاین‌رو، مسائلی مانند تروریسم، دولت‌های یاغی و سلاح‌های کشتار جمعی و ترکیب این سه، اصلی‌ترین چالش‌های فراوری ایفای نقش رهبری جهانی آمریکا به‌شمار می‌آید.

سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۰ نیز نظام منع اشاعه را جزو اولویت‌های بسیار بالای امنیت ملی آمریکا معرفی می‌کند. سند مزبور، عامل پیگیری دستور کار منع اشاعه و امنیت هسته‌ای در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا را «حقوق» و «مسئولیت‌های» کشورها می‌داند (استراتژی امنیت ملی، ۲۰۱۰، ص ۴).

بنابراین، شواهد موجود نشان می‌دهد که تغییر و تحول اساسی در دستور کار منع اشاعه آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما پدیدار نشده است. در این دوره، ایران و کره شمالی کماکان در گرانیگاه سیاست منع اشاعه آمریکا قرار دارند (این‌دایک و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۴۰). با وجود این، تغییر قابل اعتنا نسبت به دوران ریاست جمهوری بوش در ابزارهای پیگیری سیاست منع اشاعه ایجاد گردیده است. بر این اساس، دولت اوباما کارآمدی و اثرگذاری رویکرد یک جانبه‌گرایی را مورد تردید قرار داده است و در عوض، از همکاری‌گرایی بین‌المللی و چند جانبه‌گرایی به‌عنوان راهبرد قابل اتکاء بهره می‌گیرد.

## ۸. نتیجه‌گیری

پس از ۱۱ سپتامبر، هم ایالات متحده آمریکا و هم روسیه، افزایش میزان بودجه نظامی خود را اعلام کرده‌اند. بسیاری از کشورهای دیگر، تروریسم را به دلیل و بهانه‌ای برای افزایش بودجه‌های نظامی خویش تبدیل کرده‌اند. اگرچه بین این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها و مقابله با تروریسم هیچ‌گونه ارتباط پیوسته‌ای وجود ندارد. یک مفسر آمریکایی اعلام کرده که ایالات متحده آمریکا سالانه ۲۰

میلیارد دلار، در خصوص آمادگی برای جنگ هسته‌ای گسترده با روسیه هزینه می‌کند. ایالات متحده در استراتژی امنیت ملی‌اش در سال ۲۰۰۲ تأکید دارد که باید با متحدان نزدیکش برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تلاش کنند. شورای اتحادیه اروپایی نیز در ژوئن ۲۰۰۳ تصریح کرد که استراتژی اروپایی ضد گسترش این سلاح‌ها نیازمند تلاش مشترک کشورهای دوسوی اتلانتیک است. مهم‌ترین کشورهایی که براین اساس همکاری می‌کنند، چین و روسیه هستند.

دلایلی بسیار قوی برای این اعتقاد وجود دارد که حوادث ۱۱ سپتامبر با اینکه مستقیماً متضمن آنچه در ادبیات کلاسیک «سلاح‌های کشتار جمعی» خوانده می‌شود، نبود؛ اما در صورتی که از مسئله سلاح‌های هسته‌ای غافل نماند، به تقویت فرایند و هنجارهای خلع سلاح منجر خواهد شد. تلاش‌های بین‌المللی چندجانبه برای ایجاد، حفظ، اجرا و گسترش این هنجارها در بسیاری از عرصه‌های جهانی در حال انجام است و برخی از این تلاش‌ها نیز بنابر اوضاع و احوال بین‌المللی در روزهای نزدیک به حادثه ۱۱ سپتامبر به فوریت تحقق یافتند.

با این حال، به یقین می‌توان گفت که ۱۱ سپتامبر که حداقل یک تراژدی انسانی است، سبب شده که مفاهیم و دکترین‌های غالب در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات، نظیر بازدارندگی هسته‌ای، عدم پیشدستی و حتی شاخص‌های تعیین، تبیین و تعریف سلاح‌های کشتار جمعی مجدداً مورد بازاندیشی قرار گیرد و دیدگاهی کاملاً جدید، بدیع و با اعتباری گسترده را مطرح کند و اثربخشی دیدگاه‌های مبتنی بر استفاده از تسلیحات برای مقاصد دفاعی (سلاح به عنوان ابزار دفاع) را (اگر از بین نبرد) تا حد زیادی تضعیف نماید.

بر خلاف رویکرد آمریکا و اصرار این کشور و اندک متحدینش، تدوین و اجرای تدابیر مؤثر علیه تروریسم، نامتعارف و متضمن کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی و تحقق خلع سلاح کشتار جمعی به صرف اقدام یک کشور تحقق‌پذیر نخواهد بود. هیچ کشوری نمی‌تواند (و حق ندارد) تمامی صادرات جهانی را کنترل نماید، بر نقل و انتقال فناوری‌های نظامی نظارت کند و در مقام تضمین اجرای کامل کلیه تعهدات و رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح برآید. برخی از مواد تسلیحاتی نظیر باکتری‌ها و توکسین‌ها برای هر شخص (حقیقی یا حقوقی) که بدان دست یابد، خطرناک خواهد بود. چرا که همواره این خطر وجود دارد که در اثر حوادث، سرقت یا اقدام خرابکارانه، این مواد در فضای حیات جمعی منتشر گردند و زندگی جمعیت گسترده‌ای از انسان‌ها را به خطر اندازند. این مواد، خطرناک زاده شده‌اند و خطرناک بودن آن‌ها برای انسان‌ها و حتی سایر موجودات زنده، در ذات و ماهیت آن‌ها نهفته است. از این‌رو، پخش این مواد توسط هرکس و در هر جای دنیا که باشد، ممکن است به زیان کل بشریت تمام شود.

## منابع

- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۲). جایگاه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در تئوری‌های روابط بین‌الملل. سیاست خارجی، ۱۷(۶۵).
- جانز، والتر (۱۹۹۵). *منطق روابط بین‌الملل*. ترجمه داود حیدری. تهران: وزارت امور خارجه.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۶). نظریه نورنالیسم و اتحاد استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل. پژوهشنامه حقوق و سیاست، ۸(۲۱).
- جفری، الیوت؛ ورجینالد، رابرت (۱۹۸۹). *فرهنگ اصطلاحات سیاسی استراتژیک*. ترجمه میرحسن رئیس‌زاده. تهران: انتشارات معین.
- حیدری، ناصرالدین (۱۳۹۳). *اروپا و رژیم بین‌المللی مهار و گسترش تسلیحات موشکی و نتایج آن بر جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشکده وزارت امور خارجه.
- دونرتی، جمز؛ فالترگراف، رابرت (۱۳۷۲). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر قومس.
- دیمیتری، ترین (۱۳۸۵). سیاست هسته‌ای روسیه در قرن بیست و یکم: عصر دوم. ترجمه: عسگر قهرمان‌پور. همشهری دیپلماتیک، ۱(۶).
- راسل، برتراند (۱۳۴۳). *آینده بشر*. ترجمه م. منصور. تهران: شرکت سهامی نشر اندیشه، چاپ دوم.
- زیا کلام، ستوده (۱۳۸۶). روند مفهوم استراتژیک نوین نانو. *سیاست خارجی*، شماره ۲۴.
- سلطانی، فخرالدین؛ شهبازی، مریم (۱۳۹۶). تاثیر رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح بر امنیت ملی و توان بازدارندگی. *علوم اجتماعی*، دوره ۱۱.
- سلیمی، مریم (۱۳۹۳). *بررسی نقش اراده قدرت‌های بزرگ و تحول در تکنولوژی نظامی بر روند شکل‌گیری و تقویت رژیم بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- سواری، حسن؛ پیروی، حیدر (۱۳۹۱). منافع ملی حیاتی دولت‌ها در پرتو خلع سلاح و کنترل تسلیحات. *روابط خارجی*، ۴(۳).
- شبهان، میشل (۱۳۷۸). *کنترل تسلیحات و خلع سلاح*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت*. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عبداله‌ی، علی (۱۳۸۱). *امریکا و روسیه، یک راهبرد جدید*. نشر گزیده مطبوعات جهان به نقل از: خبرگزاری جمهوری اسلامی در مسکو، نیویورک و دوشنبه.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷). *سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات*. سیاست دفاعی، شماره ۲.
- قادری، بهروز (۱۳۹۶). *کنترل تسلیحات و خلع سلاح از منظر داخلی و بین‌المللی*. در: اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی. تهران: موسسه آموزش عالی علمی - کاربردی مدیریت شهری و روستایی.

- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴). رژیم‌های بین‌المللی. تهران: میزان.
- مختاری امین، مرتضی (۱۳۷۸). بنیادهای حقوقی خلع سلاح. سیاست خارجی، شماره ۲.
- موسوی، علی (۱۳۸۱). مسایل امنیت و خلع سلاح در جهان. سیاست خارجی، شماره ۴.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- Carter, K.S. (1998). *New Crimes against Peace? The Application of International Humanitarian Law Compliance and Enforcement Mechanisms to Arms Control and Disarmament Treaties*. In: Canadian Council on International Law and the Markland Group, *Treaty Compliance: Some Concerns and Remedies*. London: Kluwer Law International.
- Green, M.H. (2018). The Nuclear Ban Treaty and 2018 Disarmament Forums: An Initial Impact Assessment. *Michael Hamel-Green*, P.436-463.
- Hayes, P. (2018). Trump and the Interregnum of American Nuclear Hegemony. *Journal for Peace and Nuclear Disarmament*, Accepted.
- Ikenberry, G.J. (2005). Power and liberal order: America's postwar world order in transition. *International Relations of the Asia-Pacific*, 5(2).
- Indyk, M. & et al. (2012). Scoring Obama's Foreign Policy: A Progressive Pragmatist Tries to Bend History. *Foreign Affairs*, 91(3).
- Keohane, R.O. (1984). *After Hegemony*. Princeton: Princeton university press.
- Kortunov, A. (2018). *U.S. Withdrawal from the INF Treaty and the End of the Bilateral Era Hybrid War: Russia vs. the West*. Article included in the site [carnegiemoscow.org](http://carnegiemoscow.org) 2018/10/26.
- Lebovic, J.H. (2013). *Flawed Logics: Strategic Nuclear Arms Control from Truman to Obama*. Washington: Johns Hopkins University Press.
- Mathews, R. & Mc Cormack, T. (2000). The Relationship between International Humanitarian Law and Arms Control. *Journal of Conflict and Security Law*, 23(3), P.461-486.
- Podvig, P. (2018). *Russia's Current Nuclear Modernization and Arms Control international relation Dictionary ABC*. GIO, Inc
- The National Security Strategy 2002.*
- The National Security Strategy 2010.*
- The National Security Strategy 1994.*
- Williams, P.R., Worboys, J. & Unbrick, J.T. (2012). Preventing Mass Atrocity Crimes: The Responsibility to Protect and the Syria Crisis. *Case Western Reserve Journal of International Law*, 45(1).
- Woolf, A.F., Kerr, P.K. & Nikitin, M.B.D. (2018). *Arms Control and Nonproliferation: A Catalog of Treaties and Agreements*. Congressional Research Service.
- Young, E.G.E. (1972). *A Farewell to Arms Control?* In: Harmon dsworth: Penguin Books.